



فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی



تحلیل گفتمان کرامت محوری در تعاملات امام خمینی (ره) در دوره پیش از انقلاب اسلامی

محمد قدرتی شاتوری^۱

۴۲

دوره ۱۵، شماره ۳، پیاپی ۴۲
پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵-۲-۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵-۶-۳۰

صص: ۳۷-۵۶

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۶۳۷

رتبه علمی

ب

پورتال نشریات گوناگونی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

پژوهش حاضر به واکاوی چگونگی تجلی مفهوم کرامت انسانی در سیره عملی و گفتمان امام خمینی در دوره پیش از انقلاب اسلامی پرداخته است (مسئله). این نوشتار با روش تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی متن محور و ابزار کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده است (روش). یافته‌ها نشان می‌دهد که کرامت انسانی به عنوان دال مرکزی گفتمان امام عمل کرده و در لایه‌های مختلف تعاملات اجتماعی از جمله روابط خانوادگی، مدیریت مالی-شرعی، تعامل با نخبگان، مبارزه سیاسی و روابط بین الملل تجلی یافته است (یافته‌ها). گفتمان ایشان حول دال‌های مرتبطی چون عدالت، وحدت، استقلال، تقوا و مظلوم‌پذیری معنا می‌یابد و در تقابل آگاهانه با گفتمان تحقیرآمیز رژیم پهلوی قرار دارد (یافته‌ها). امام با کاربرد زبانی احترام‌آمیز، توجه به سلامت و عواطف افراد، حفظ حریم خصوصی، شفافیت مالی، نقد ساختاری نقض کرامت توسط رژیم، دفاع از محرومان و تأکید بر مبارزه مسالمت‌آمیز، گفتمانی منسجم و قدرتمند را صورت‌بندی کردند که احیای کرامت از دست‌رفته ایرانی-مسلمانان را در محور خود داشت و نقش بسزایی در بسیج مردمی ایفا نمود (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها:

حقوق بشر، امام خمینی، تحلیل گفتمان انتقادی، تعاملات اجتماعی، کرامت انسانی، دوره پیش از انقلاب.

۱. دکترای فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره) پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) ghodrati@ri-khomeini.ac.ir



مقدمه و بیان مسأله

انقلاب اسلامی ایران در سده اخیر، بی‌گمان یکی بارزترین رخداد‌های قرن بیستم به شمار می‌رود؛ رویدادی که در ابعاد گوناگون، منشأ پیامدهای بنیانی در سطح جهان گردید (عمیدزنجانی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). این انقلاب، افزون بر دگرگونی‌های ساختاری در نظام سیاسی ایران، بار دیگر مسأله‌ی «انسان» و «جایگاه او در نظم اجتماعی» را به کانون توجه اندیشه‌ورزان و کنشگران سیاسی بازگرداند و نشان داد که می‌توان سیاست را بر پایه‌ی ارزش‌های متعالی انسانی و دینی بازتعریف کرد.

در میان بنیان‌های فکری و اخلاقی این نهضت عظیم، مفهوم «کرامت انسانی» از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که می‌توان آن را هسته‌ی مرکزی گفتمان رهبری امام خمینی دانست. کرامت، نه تنها به مثابه‌ی یک اصل اخلاقی انتزاعی، بلکه به سان نیرویی پویا و جهت‌دهنده در تمامی عرصه‌های تعامل اجتماعی ایشان، از روابط خانوادگی گرفته تا مبارزه‌ی سیاسی و حتی مناسبات بین‌المللی، جاری و ساری بود. بازخوانی این مفهوم در بستر تاریخی پیش از انقلاب - که خود عرصه‌ی تقابل دو گفتمان متضاد بود - می‌تواند پرده از راز اقبال عمومی به رهبری امام بردارد و الگویی کارآمد از «زیست سیاسی اخلاق‌بنیان» را پیش روی نسل‌های کنونی و آینده بگشاید.

با این حال، آنچه در پژوهش‌های موجود کمتر مورد واکاوی قرار گرفته، چگونگی تولید، بازتولید و به‌کارگیری گفتمانی این مفهوم در لایه‌های پنهان و آشکار تعاملات اجتماعی ایشان در دوره‌ای سرنوشت‌ساز و آکنده از چالش‌های سیاسی و اجتماعی است. از این رو، پرسش اساسی که نوشتار پیش رو در پی پاسخ‌گویی به آن برآمده، این است که: کرامت انسانی، به عنوان دالّ مرکزی در گفتمان امام خمینی، در چه قالب‌ها و راهبردهایی در عرصه‌ی تعاملات فردی، مالی، علمی، سیاسی و جهانی تجلی یافته و چگونه توانسته است در برابر گفتمان تحقیرآمیز رژیم پهلوی، افق تازه‌ای از عزت و خودباوری را به جامعه‌ی ایران عرضه کند؟ برای پاسخ به این پرسش، نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی و با رویکردی متن‌محور، به کاوش در لایه‌های معنایی مکاتبات، پیام‌ها، سخنرانی‌ها و سیره‌ی عملی امام خمینی در سال‌های منتهی به انقلاب پرداخته است. امید آن می‌رود که این واکاوی، علاوه بر روشن‌سازی ابعاد کمترشناخته‌شده‌ی اندیشه‌ی امام، چراغ راهی باشد برای کسانی که در جست‌وجوی الگویی اصیل از سیاست‌مداری کرامت‌محور در جهان امروز هستند؛ جهانی که بیش از هر زمان دیگری به یادآوری ارزش‌های انسانی فراموش شده نیازمند است.

پیشینه پژوهش

با وجود غنای مطالعات پیشین در حوزه‌های نظری و حقوقی، کمتر پژوهشی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نظام معنایی کرامت در تعاملات اجتماعی امام خمینی در دوره پیش از انقلاب پرداخته است. اغلب پژوهش‌ها یا بر اندیشه انتزاعی امام متمرکز بوده‌اند یا مصادیق پراکنده رفتاری را بدون کشف الگوی گفتمانی حاکم بر آنها بررسی کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌های موجود عمدتاً به دوره پس از انقلاب یا به صورت کل‌نگرانه به سیره امام پرداخته‌اند و تحلیل نظام‌مند گفتمان کرامت‌محور در بستر



تاریخی - سیاسی خاص دوره پیش از انقلاب که خود عرصه تقابل گفتمانی با رژیم پهلوی بوده مغفول مانده است. به عنوان نمونه:

مظهری و دیگران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر اصل ۱۴ قانون اساسی و تضمین حقوق بشری غیرمسلمانان به استناد فتاوی امام خمینی (ره)» با رویکردی فقهی-حقوقی به نقش فتاوی امام در تضمین کرامت غیرمسلمانان پرداخته و نشان داده‌اند که امام خمینی با ارائه نظر بی‌سابقه فقهی، راه را بر هرگونه سوءبرداشت از حقوق اقلیت‌های دینی بست و با استفاده از ظرفیت‌های فقه پویا، از دیدگاه‌های سستی که منشأ تعارض با حقوق بشر بود فاصله گرفت. (مظهری و دیگران، ۱۴۰۴: ۱۷)

میراحمدی و کمالی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه» به بررسی مبانی فلسفی و انسان‌شناختی کرامت در منظومه فکری امام خمینی پرداخته و با تقسیم کرامت به ذاتی و اکتسابی، نشان داده‌اند که امام خمینی ضمن پذیرش کرامت ذاتی انسان، بر کرامت اکتسابی مبتنی بر تقوا و مسئولیت‌پذیری تأکید ویژه داشته و آن را محور نظام ارزشی و حقوقی اسلام می‌دانند.

رایزن و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مبانی کرامت انسان از دیدگاه امام خمینی» به بررسی مبانی فلسفی کرامت انسان از منظر امام خمینی می‌پردازد و شش اصل اساسی را به عنوان مبانی کرامت ذاتی انسان برمی‌شمارد. این مقاله نشان می‌دهد که کرامت در اندیشه امام، امری ذومراتب و وابسته به مراتب وجودی است و انسان به عنوان موجودی جامع و کمال‌پذیر، قادر است تا بالاترین مراتب کرامت اکتسابی را نیز احراز کند.

پرواز و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «کرامت انسانی و حق شهروندی در اندیشه امام خمینی» با تمرکز بر حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی، نشان داده‌اند که امام خمینی با اتکا به مفهوم کرامت انسانی، مفاهیمی چون آزادی، امنیت، عدالت اجتماعی و حقوق اقلیت‌ها را صورت‌بندی کرده‌اند. این مقاله با اشاره به «فرمان هشت ماده‌ای» امام، بر توجه عملی ایشان به حفظ حریم خصوصی، منع تجسس، رعایت حقوق متهمان و تأمین امنیت قضایی به عنوان مصادیق عینی کرامت‌محوری در حکمرانی تأکید کرده است.

مقاله حاضر در صدد است باتکیه بر چارچوب تحلیل گفتمان، الگوی منسجم کرامت‌محوری را در لایه‌های مختلف تعاملات اجتماعی امام (خانوادگی، مالی، سیاسی، بین‌المللی) تحلیل کرده و نشان دهد که چگونه این گفتمان در تقابل با گفتمان تحقیرآمیز رژیم پهلوی، به ابزاری برای بسیج مردمی و احیای هویت اسلامی - ایرانی تبدیل شد. این پژوهش در صدد پرکردن خلأ یادشده و ارائه تحلیلی نظام‌مند از کارکرد گفتمان کرامت در فرآیند انقلاب اسلامی است.

نوآوری عملی امام در تلفیق دو سویه کرامت ذاتی و اکتسابی بود: از یک سو با تأکید بر کرامت ذاتی همه انسان‌ها، هرگونه تحقیر، تبعیض و خشونت را نامشروع می‌شمرد، و از سوی دیگر با پررنگ کردن کرامت اکتسابی مبتنی بر تقوا و مسئولیت‌پذیری، شهروندان را به کنشگری اخلاقی و اجتماعی فرامی‌خواند. همچنین، نوآوری روش‌شناختی این پژوهش در کاربرد نظام‌مند تحلیل



گفتمان انتقادی برای کشف الگوی معنایی منسجم کرامت‌محوری در لایه‌های مختلف تعاملات اجتماعی امام (خانوادگی، مالی، سیاسی، بین‌المللی) است که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن توجه شده است.

۱. چارچوب نظری

این پژوهش با اتکا به چارچوب نظری ترکیبی، به تحلیل سیره و آرای امام خمینی می‌پردازد. این چارچوب، تحلیل گفتمان را به‌عنوان روش و مفهوم کرامت‌انسانی در اسلام و اندیشه امام را به‌عنوان محور نظری در هم می‌تند.

۱-۱. تعریف گفتمان

گفتمان در رویکردهای انتقادی (مانند نظریه‌پردازانی مانند میشل فوکو و شانتال موف)، نظامی از معنا است که از طریق زبان و کنش‌های اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود. (زاهدی، ۱۳۹۳: ۲۲۶) گفتمان مفهومی بین‌رشته‌ای است که فراتر از تحلیل زبانی صرف، به بررسی ارتباط نظام‌مند بین زبان، قدرت، ایدئولوژی و بافت اجتماعی-تاریخی می‌پردازد. گفتمان شامل هرگونه تعامل زبانی است که در یک زمینه خاص تولید می‌شود و بازتاب‌دهنده روابط اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و ساختارهای قدرت نهفته در آن بافت است. (اصنافی، ۱۳۹۷: ۲۹۶)

تحلیل گفتمان به‌مثابه یک روش تفسیری کیفی تعریف می‌شود که هدف آن کشف معنای کانونی و بنیادی متون (اعم از نوشتاری، گفتاری، تصویری یا رسانه‌ای) از طریق بررسی لایه‌های سطحی و عمقی متن و ارتباط آن با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک است. (حسنی‌فر و امیری‌پریان، ۱۳۹۳: ۵۵)

تحلیل گفتمان به‌عنوان روش این تحقیق، بر این پیش‌فرض استوار است که زبان ابزاری برای ساختن واقعیت، توزیع قدرت و مبارزه برای معنا است.

۱-۲. مبانی نظری کرامت انسانی

در منظومه فکری اسلامی، کرامت دارای دو نوع است که در اندیشه امام خمینی نیز بازتاب یافته است:

الف- کرامت ذاتی: هر انسان به‌صرف انسان بودن، از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار است. (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۶: ۶۹) این کرامت، زیربنای برابری انسان‌ها و حرمت جان، مال و آبروی آنان در شریعت اسلام است. (شجاعی، ۱۳۹۲: ۱۵۲) از منظر اسلامی، کرامتی که خداوند در ذات انسان قرار داده است، حقوقی را به دنبال دارد. این حقوق برای همه انسان‌ها ثابت است و افراد لازم است در تعامل خود این حقوق را رعایت کنند. از این جهت، این حقوق تکالیفی را نیز به همراه دارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴)

ب- کرامت اکتسابی: بسیاری از انسان‌ها، قومیت نژاد، مرد بودن، ثروت، جمال و... را ملاک فضیلت و برتری می‌دانند، ولی اسلام، تقوای الهی را ملاک فضیلت می‌داند. (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۷۳) خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/ ۱۳) این کرامت، از راه تقوا، عبادت، علم و عمل صالح به دست می‌آید. (اسحاقی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۸)



از دیدگاه امام خمینی، انسان با کرامت خلق شده است و کرامت انسان فضیلت و شرافتی است که او را از دیگر موجودات ممتاز می‌کند. (خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۰-۱۳۹؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۰۱) به اعتقاد ایشان، افرادی که برای کرامت انسان حرمتی قائل نیستند و بر ضد بشریت اقدام می‌کنند، خود حرمتی ندارند و باید با آنان مبارزه کرد؛ از این جهت است که انبیای الهی بر کافران سخت می‌گرفتند و با آنان مبارزه می‌کردند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۱۴۱)

امام خمینی با تقسیم کرامت به ذاتی و اکتسابی، کرامت ذاتی را مربوط به کمالات وجودی می‌داند که در افراد به تناسب استعدادهای آنان مختلف است. این کرامت ذاتی خود دو قسم است: کرامت جسمانی که مربوط به خلقت طبیعی بدن است و خداوند انسان را از نوع حیوان در طبیعت جسمانی متمایز کرده است؛ چنانکه ستر عورت و لباس از کرامت‌های خداوند است که اختصاص به انسان دارد و به دیگر موجودات عطا نکرده است و کرامت روحانی که به اصل ذات و هویت انسان مربوط است. (خمینی، ۱۳۹۲، ۱۳۸۸: ۹۹)

امام خمینی معیار کرامت اکتسابی انسان را تقوای الهی معرفی می‌کند و معتقد است هرکس تقوایش بیشتر باشد، کرامتش نزد خداوند بیشتر است و مرد یا زن، اختلاف لهجه و زبان و رنگ هیچ‌یک موجب کرامت نیست و پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به سبب اینکه با تقواترین مردم بودند، با کرامت‌ترین آنان هستند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۷۸ و ج ۶: ۳۱۴) از سوی دیگر، به باور امام خداوند بندگان خود را به عبادت و مناجات با خود تکریم کرده است و آنان که اهل معرفت و فضیلت هستند، چیزی را با مناجات با حق تعالی عوض نمی‌کنند و همه عزت، شرف و فضیلت خود را در مناجات با حق تعالی می‌دانند. (خمینی، ۱۳۹۲: ۱۰۹ و ۳۷۵)

۱-۳. تلفیق چارچوب گفتمانی با محوریت کرامت

در پژوهش حاضر حفظ و احیای کرامت انسانی به‌عنوان هدف غایی گفتمان امام خمینی در نظر گرفته می‌شود و نشان می‌دهد که موفقیت امام در بسیج مردمی، تا حد زیادی مرهون توانایی ایشان در ساختن و ترویج گفتمانی منسجم، اخلاقی و قدرتمند و احیای کرامت ازدست‌رفته انسان ایرانی - مسلمان در تمامی عرصه‌های زندگی بود. این هدف، نقطه کانونی است که سایر مفاهیم و اهداف گفتمان مانند عدالت، استقلال، وحدت، تقوا، مظلوم‌پذیری حول آن معنا می‌یابند. این هدف موجب می‌شود تا چگونه گفتن و چرایی گفتن سخنان امام در بستر نبرد بزرگ گفتمانی برای تعریف انسان و جامعه تحلیل شود.

۲. گفتمان کرامت در تعاملات فردی و خانوادگی

امام خمینی در دوره پیش از انقلاب، در کنار مبارزه سیاسی، روابط فردی و خانوادگی خود را بر پایه کرامت انسانی سامان داد. این تعاملات در تقابل مستقیم با گفتمان هتک کرامت توسط رژیم پهلوی قرار داشت. در ادامه، این گفتمان در سه محور اصلی بررسی می‌شود:

۲-۱. احترام‌زبانی و ادبی در مکاتبات

امام در مکاتبات خود اعم از نامه‌های رسمی، اجازه‌نامه‌های شرعی و پیام‌های شخصی از الفاظ و عبارات احترام‌آمیز استفاده کرده‌اند. (مرتضوی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۴۵۰-۴۵۱) این شیوه نشان‌دهنده ادب و تربیت اسلامی و توجه آگاهانه به حفظ کرامت مخاطب (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۷: ۲۰۶) و تأکید بر جایگاه اجتماعی، علمی یا معنوی وی محسوب می‌شد. احترام‌زبانی در شرایط سخت تبعید و مبارزه نیز تداوم داشت. به‌عنوان نمونه در خطاب به علما و مراجع فرموده‌اند: "جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة‌الاسلام." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۶۰) اینگونه خطاب، بر پابندگی علمی و اعتماد دینی مخاطب تأکید دارد و او را در جایگاهی رفیع می‌نشانند. ایشان در تعدادی از مکاتبات نیز علاوه بر القاب احترام، دعای دامت افاضاته را (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۹۹-۴۰۰) در پایان به‌کار برده‌اند که نشان از تکریم مستمر و آرزوی تداوم فیض علمی برای مخاطب دارد.

امام در نامه‌های شخصی و خانوادگی نیز کرامت مخاطب را حفظ نموده‌اند، به‌عنوان نمونه در نامه‌ای به دخترشان فرموده‌اند: "دختر عزیزم... خداوند شما را حفظ کند. سلامت همه را از خداوند تعالی خواستارم." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۶۳) در نامه‌ای دیگر به همسرشان با وجود گلایه، لحن محترمانه و عاطفی حاکم است: "مثل اینکه شما از نجف که خارج شدید دیگر از فکر ماها بیرون رفتید." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۶)

تحلیل نگارنده آن است که مکاتبات امام در دوران قبل انقلاب، الگویی عملی از حفظ حرمت افراد ارائه می‌دهد، مکاتبات ایشان بیانگر آن است که کرامت‌مداری باید از سطح گفتار و نوشتار آغاز شود. ادبیات محترمانه امام، در تقابل آشکار با گفتمان تحقیرآمیز رژیم پهلوی قرار می‌گیرد که علما را مرتجع و مردم را عامی خطاب می‌کرد. (فوزی توپسرکانی، ۱۳۹۰: ۴۹۶) بنابراین، احترام‌زبانی به مثابه اقدام گفتمانی مقاومتی برای احیای کرامت علوم دینی و عامه مردم است.

۲-۲. توجه به سلامت و عواطف افراد

در گفتمان کرامت‌محور امام خمینی توجه به سلامت جسمی و روانی افراد و اهمیت دادن به عواطف و دغدغه‌های آنان، مؤلفه‌ای اساسی و فراتر از ادب رایج بود. این توجه، نشان‌دهنده نگاهی همه‌جانبه به انسان و ابعاد وجودی اوست و تأکید می‌کند که حفظ کرامت انسانی، صرفاً در رعایت ظواهر ادب خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل همدلی، مراقبت و مسئولیت‌پذیری در قبال رفاه دیگران نیز می‌گردد. به‌عنوان نمونه در نامه‌ای به یکی از مبارزان، امام با نگرانی از بیماری وی، احوالپرسی می‌کنند و توصیه و پیشنهاد نیز می‌دهند: "منم دایم اطبای اصفهان تا چه اندازه تخصص دارند؛ شاید اگر تهران تشریف ببرید بهتر باشد... در صورتی که از این جانب کاری ساخته شود به هر نحو مهیا و حاضرَم برای سلامت شما اقدام کنم." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۰) ادبیات ایشان علاوه بر همدلی، نشان‌دهنده آمادگی برای اقدام عملی و صرف هزینه برای سلامت وی بوده است.



امام در نامه‌ای دیگر به یکی از یاران با توصیه به معالجه بیماری وی، نگرانی خود را ابراز کرده و با احتیاط از انتشار اعلامیه به دلیل محدودیت‌های امنیتی سخن می‌گویند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳) بنابراین توجه به سلامت در ادبیات امام، شامل ملاحظات امنیتی و جلوگیری از افزایش خطر برای فرد نیز می‌شود.

امام در غم و شادی شاگردان خود شریک می‌شدند و این همدلی را در عمل نشان می‌دادند. در خاطره‌ای آمده است که ایشان پس از شنیدن خبر درگذشت خواهر یکی از شاگردان، در کوچه به او برخورد کرده و با تغییر مسیر، به گونه‌ای پدرانه او را تسلیت گفتند و غم‌خواری کردند. (بصیرت‌منش و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۱)

ایشان در نامه‌های خانوادگی، به آرامش روانی و رفع نگرانی توجه داشته‌اند. در نامه‌ای نوشته‌اند: "از نوشته خانم که فریده چون دلتنگ هستند می‌خواهم ببرمش مشهد، به قدری نگران شدم که خدا می‌داند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۵۲) توجه امام به سلامت و آرامش خاطر اطرافیان تنها به توصیه محدود نمی‌شد، بلکه همراه با پیگیری عملی بود. برای نمونه، زمانی که سید احمد در یک سخنرانی رادیویی از ناخوشی خود خبر داد، امام بلافاصله و با نگرانی احوال ایشان را جویا شدند. (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۶) ابراز نگرانی امام، نشان از توجه ایشان به حالات روانی اعضای خانواده دارد. در نامه‌ای به فرزندشان سید احمد، با وجود بیان مشکلات و محدودیت‌ها، با لحنی محبت‌آمیز سعی در مدیریت نگرانی‌های وی دارد و با وجود بیان مشکلات، با لحنی محبت‌آمیز و محترمانه از نامه‌نگاری‌های مکرر آنان ابراز ناراحتی کرده و تلاش می‌کنند بدون ایجاد نگرانی اضافی، شرایط را مدیریت کنند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۰۷)

توجه امام معطوف به سلامت جسمی نبوده است، ایشان آرامش خاطر ناشی از رفع دغدغه‌های معیشتی را نیز در نظر داشته‌اند. به عنوان نمونه، برای حفظ آبرو و جلوگیری از ناراحتی دخترشان، دستور می‌دهند تا به دخترشان به صورت خصوصی و با حفظ آبرو، ماهانه کمک مالی شود تا دچار ناراحتی معیشتی نشود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۲۶) یا در نامه‌ای دیگر دستور می‌دهند به فردی که مصیبتی دیده، ماهی سیصد تومان کمک شود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۶)

تحلیل نگارنده از سیره امام آن است که ایشان خود را در خصوص رفاه و آرامش اطرافیان، همکاران و حتی جامعه مسئول می‌دانستند و این مسئولیت‌پذیری را در عمل نشان داده‌اند. این توجه، گویای انسان‌شناسی جامع اسلامی در گفتمان امام است که در آن، انسان موجودی چندبعدی (جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی) در نظر گرفته می‌شود و کرامت او در گرو توجه به تمام این ابعاد است. در تقابل با گفتمان بی‌تفاوتی و خشن نظام پهلوی نسبت به رنج مردم (گرسنگی، بیماری، سرکوب)، (خامنه-ای، ۱۳۹۷، ج ۲: ۴۸۶) توجه شخصی و عملی امام به سلامت و عواطف افراد، کنش گفتمانی مقاومتی بود.

۲-۳. حفظ حریم خصوصی و توصیه به اخلاق‌مداری

در گفتمان کرامت‌محور امام خمینی احترام به حریم خصوصی افراد (جمشیدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶۵) و تأکید مستمر بر رعایت اخلاق و تقوا به عنوان دو رکن اساسی در تعاملات فردی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. این دو اصل، نشان‌دهنده نگاه ایشان به



کرامت انسانی است که از یک سو حریم شخصی فرد را مصون می‌دارد و از سوی دیگر، او را به تکامل اخلاقی و مسئولیت‌پذیری در قبال خود و جامعه فرامی‌خواند.

در نامه‌ای به فرزندشان، سید احمد، پس از رحلت آیت‌الله حکیم، از او می‌خواهند در بحث‌ها و کشمکش‌های احتمالی حول موضوع مرجعیت دخالت نکند و حریم این مسئله شخصی - اجتماعی را حفظ نماید: "شما و تمام دوستان این‌جانب باید از این مسائل برکنار باشید و یک کلمه دخالت نکنید." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۴) در نامه‌ای به سید محمد رضا سعیدی، وی را نیز از ورود به اختلافات محلی منع می‌کنند: "قبلاً هم تذکر دادم که جنابعالی در این اختلافات محلی وارد نشوید؛ شما مشغول کار خودتان باشید. صلاح دین و دنیای شما نیست با این نحو اشخاص طرف شوید." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۶۳)

علاوه بر مکاتبات، رفتار روزمره امام با بزرگان خانواده نیز حاکی از احترام ایشان بود. به‌عنوان نمونه، در خاطرات نزدیکان آمده است که امام همواره برادر بزرگ‌تر خود، مرحوم پسندیده را با احترام بسیار ویژه‌ای مورد خطاب قرار می‌دادند و حتی هنگام خداحافظی، سفارش مراقبت از ایشان را می‌کردند. (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۶) ایشان در مواجهه با خدمتکاری که مرتکب خلاف شده و زندانی شده بود، از غیبت و آبروبری منع کرده‌اند و تأکید نموده‌اند: "او یک کاری کرده و وظیفه آنها هم این بوده که زندانش بکنند، ولی شما نباید آبرویش را جای دیگری ببرید." (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۹۶؛ رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۷۷) موضع امام، بیانگر آن است که کرامت ذاتی انسان در موقعیت خطا و مجازات نیز نباید مخدوش گردد.

در پایان اکثر اجازه‌نامه‌های شرعی امام، جمله‌ای ثابت به چشم می‌خورد که نشان از اولویت اخلاق در همه شئون زندگی دارد: "و اوصیه ... بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۵۰) این عبارت، پابندی به تقوا، دوری از هوس‌های نفسانی و تمسک به ریسمان احتیاط در دین و دنیا را سفارش می‌کند.

در نامه‌های خصوصی به نزدیکان نیز این توصیه‌های اخلاقی تکرار می‌شود، در نامه‌ای به فرزندشان فرموده‌اند: "سفارش اکید می‌کنم که شما جز تحصیل علم و تهذیب اخلاق به هیچ کاری کار نداشته باشید." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۱۷) در نامه‌ای دیگر، بر رفتار نیک با همسر و اطرافیان تأکید می‌ورزند: "با مادر و خواهرها و احمد و بستگان به شما تأکید می‌کنم، رضای خداوند و رضای من در حسن سلوک با آنهاست." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۲۹) در نامه‌ای به دخترشان، بر اهمیت صلح و صفا در خانواده تأکید می‌کنند: "صلح و صفا از نعمت‌های بزرگ الهی است که شاید عوض نداشته باشد." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۶۵)

ظاهر آن است که دستور به عدم دخالت در امور خصوصی دیگران بیانگر آن است که احترام به قلمرو انتخاب و زندگی شخصی افراد، بخشی جدایی‌ناپذیر از احترام به کرامت آنان است و در تقابل با گفتمان تمامیت‌خواه و دخالت‌گری رژیم پهلوی قرار می‌گیرد. توصیه به تمسک به ریسمان احتیاط، اصل اخلاقی است که هدف آن، حفظ کرامت فرد از لغزش‌های احتمالی است که ممکن است آبرو، اعتبار یا مسئولیت‌پذیری او را خدشه‌دار کند.



۳- گفتمان کرامت در مدیریت امور شرعی و مالی

در گفتمان امام خمینی مدیریت مالی و شرعی (وجوهات مانند خمس، زکات و سهم امام) عرصه‌ای اخلاقی و نشان‌دهنده تعهد به کرامت مردم تلقی می‌شد. اصل اساسی در این عرصه، شفافیت و امانت‌داری بود تا حقوق شرعی به‌درستی ادا شود و کرامت پرداخت‌کننده و گیرنده مستحق حفظ گردد. امام دستور می‌دهند که وجوه تنها به وکلای مشخص و مورداعتماد ایشان پرداخت شود: "به کسانی که وکالت از این جانب ندارند وجوه شرعیه ندهند و اگر دادند بری‌الذمه نمی‌شوند... و به کسانی که وکالت دارند بدهند و قبض رسید مطالبه کنند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۶۸) در نامه‌ای دیگر: "مردم باید وجوه را یا به خودم یا وکیل معلوم‌الوکاله بدهند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۸۹) ایشان در صورت شایعه، برای رفع ابهام و حفظ اعتماد عمومی اقدام می‌کردند: "وجوه به طرق مختلفه می‌رسد. جنابعالی تکذیب فرمایید شایعه را." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۸)

تأمین معیشت عادلانه و شرافتمندانه، پیش‌شرط امکان تحقق کرامت اخلاقی و دینی است. (صدر، ۱۳۹۳: ۳۵۶) امام فرموده‌اند: "اگر معاشش فراهم نشود نمی‌تواند دین خود را حفظ کند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۷۰) ایشان در دستورات مربوط به صرف وجوه، همواره بر پرداخت به فقرای عفیف متدین یا سادات فقیر عفیف متدین تأکید داشتند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۲) قید عفت کلیدی است؛ به این معنا که کمک باید به‌گونه‌ای باشد که حرمت و عزت نفس نیازمند را خدشه‌دار نکند و او را در معرض تحقیر قرار ندهد.

این دستور در موارد متعدد دیگر نیز تکرار شده، مثلاً در اجازه‌نامه‌ای نوشته‌اند: "مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۶۴) تأکید بر به نحو اقتصاد نیز نشان از ملاحظه‌ی حفظ عزت نفس دارد؛ به این معنا که کمک باید در حد نیاز و به‌صورت معقول مصرف شود. همچنین در کمک به نزدیکان، اصل حفظ آبرو و جلوگیری از احساس تحقیر رعایت شده است، به عنوان نمونه برای کمک به دختر خود (فریده مصطفوی)، دستور می‌دهند کمک به‌صورت خصوصی و با حفظ آبرو انجام شود تا وی دچار ناراحتی معیشتی نشود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۲۶)

در مورد خانواده‌ی شهید سعیدی، امام اجازه می‌دهند از سهم امام برای تأمین معاش آنان استفاده شود و تأکید بر کمال توجه به صغار آن مرحوم دارند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۲) توجه امام شامل مراقبت مالی، عاطفی و حفظ جایگاه اجتماعی خانواده شهید نیز می‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت: در گفتمان کرامت محور امام خمینی حمایت از محرومان و نیازمندان، تکلیف شرعی و اخلاقی در جهت حفظ کرامت انسانی گیرنده کمک تبدیل شده بود. ایشان بر این اصل تأکید داشتند که کمک مالی نباید عزت نفس، آبرو و شرافت فرد نیازمند را خدشه‌دار کند.

۴. گفتمان کرامت در تعامل با نخبگان و علما

در منظومه فکری امام، علمای دین و مراجع تقلید به‌عنوان وارثان انبیا و پاسداران شریعت، از جایگاه والایی برخوردار بود. تعامل ایشان با این گروه، بر پایه‌ی حفظ کرامت آنان استوار بود و درعین حال، از موضع مسئولیت‌پذیری دینی، نقد و هدایت را نیز شامل می‌شد. این رویکرد در دو محور اصلی قابل بررسی است:

۴-۱. احترام به مراجع و علما

امام در مکاتبات خود با سایر علما، هنگامی که در حال طرح انتقاد یا ابراز نگرانی است، همواره از القاب بلند و احترام‌آمیز استفاده می‌کنند. (هدایتی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۶-۱) به‌عنوان مثال، در نامه‌ای که نسبت به سکوت یا عدم همراهی برخی ابراز نگرانی دارند، خطاب را این‌گونه آغاز می‌کنند: "جناب مستطاب سیدالاعلام و حجة الاسلام." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳) ادبیات ایشان، جایگاه مخاطب را حتی اگر محتوای نامه حاوی انتقاد باشد، پیش از هر چیز می‌پذیرد و تأیید می‌کند. امام در عین حفظ حرمت افراد، از سستی و ضعف برخی از علما در مقابل دستگاه انتقاد کرده و آن را زمینه‌ساز تعدی بیشتر رژیم دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳) زمانی که رژیم پهلوی به حرمت روحانیت حمله می‌کرد (مانند حمله به مدرسه فیضیه)، امام از کرامت این قشر به‌صورت جمعی دفاع می‌کردند و آن را نقض کرامت اسلام می‌دانستند: "علمای دین و روحانیون مورد اهانت قرار گرفتند، هتک شدند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۷)

در مسائل مهمی مانند مخالفت با کاپیتولاسیون، امام با وجود اشاره به اختلاف‌های جزئی، بر وحدت هدف کلی تأکید می‌کنند: "هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند، یکی است... اختلافی بین علمای اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۲؛ خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۵۰-۴۵۱) در شرایطی که رژیم پهلوی و استعمار به دنبال تفرقه‌اندازی در صفوف روحانیت بود، (جعفریان، ۱۳۸۲: ۳۷۲-۳۷۳؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۰-۲۰۱) حفظ ادب و احترام در زمان اختلاف، راهبردی جامع برای حفظ انسجام در مقابل میدان استکبار بود. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۴۹۸-۴۹۹) امام با این رفتار، الگویی برای نقد درون دینی ارائه می‌دادند. (سالاروند، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۸) نقدی که از موضع دلسوزی، مسئولیت و حفظ کیان دین صورت می‌گیرد و حرمت منتقد و منتقد شونده را حفظ می‌کند.

امام خمینی بر حفظ ادب، وحدت و پرهیز از خشونت در صفوف مبارزان تأکید می‌کردند. در پیامی به علما و روحانیون ایران، با اصرار از جوانان می‌خواهند: "نسبت به ساحت محترم مراجع و روحانیون، احترامات لایقه را مراعات نمایند... هیچ امری از اختلاف کلمه خطرناک‌تر نیست، و در شکوفایی نهضت، هیچ‌چیز مؤثرتر از حفظ وحدت کلمه و ابقای صفوف مبارزه نخواهد بود." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۲) تأکید ایشان، نشان‌دهنده نگاه راهبردی‌شان به مبارزه است که در آن، حفظ کرامت افراد و انسجام درونی، خود بخشی از احیای کرامت ملی محسوب می‌شد.



امام. در تحلیل عملکرد رضاشاه، تصریح می‌کنند: "رضا شاه که آمد سر کار، این دو معنا را مأمور بود که اجرا بکند؛ یعنی اسلام را بشکند... و روحانیت را هم خرد کند و بشکند... تمام مظاهر اسلامی را این آدم این طور می‌خواست محو کند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۷) بیان ایشان نشان می‌دهد که در گفتمان امام، دفاع از کرامت روحانیت، دفاع از هویت دینی و فرهنگی ملتی بود که می‌خواست تحت سلطه استعمار قرار گیرد.

ایشان در رفتار خود نیز با علما، احترامی ویژه قائل بود. در خاطره‌ای از ایشان آمده است که هنگام ورود چند تن از علمای سالخورده، امام دستور داد کارهای دفتری متوقف شود تا آقایان معطل نشوند، سپس با پوشش کامل رسمی و نشستن بر زمین، با آنان به گفتگو پرداخت. (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۴۲) این رویکرد محترمانه، تنها در مواجهه با شخصیت‌های هم‌عصر یا برتر خلاصه نمی‌شد، بلکه در نقد علمی آرای فقها و اندیشمندان گذشته نیز قابل مشاهده بود. امام با وجود قاطعیت علمی، به تخریب شخصیت مخالف فکری خود نمی‌پرداختند. در خاطرات از ایشان نقل شده است که هنگام تدریس، وقتی که حرفها و سخنان شخصیتها را نقل می‌کردند و می‌خواستند سخنان بزرگان فقه و اصول و فلسفه را رد کنند، با احترام رد می‌کردند. اینطور نبود که مثلاً بگویند ایشان نفهمیده یا توجه نکرده است. مثلاً با عباراتی از قبیل «این اعلم»، «این اعلام»، «بعض اعلام» و «بعضی از اعظم» از آنها یاد می‌کردند. (فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۸) این شیوه، الگویی کارآمد برای نقد درون‌دینی ارائه می‌دهد که در آن، مخالفت علمی با حفظ حرمت منتقدشونده صورت می‌پذیرد و زمینه را برای گفت‌وگوی سازنده فراهم می‌آورد.

این گفتمان، در تقابل آشکار با گفتمان رژیم پهلوی و نیز برخی جریان‌های تندرو قرار داشت که برای حذف مخالف، به توهین، تهمت و تخریب شخصیت متوسل می‌شدند. (عبداللهی، ۱۳۸۵: ۱۰۶) امام نشان می‌داد که می‌توان قاطعانه با یک نظر مخالف بود، اما همچنان برای صاحب‌نظر احترام قائل شد.

۴-۲. حمایت از طلاب و حوزه‌های علمیه

حمایت امام از طلاب و حوزه‌ها، در راستای حفاظت و تقویت نهادی بود که خود حافظ کرامت دین و تربیت‌کننده انسان‌های باکرامت به شمار می‌رفت. امام در نامه‌ای به مسئولان (در دوران تبعید)، بر لزوم پرداخت مستمری به طلاب برای ایجاد دلگرمی تأکید می‌کردند تا محصلین با دلگرمی به تحصیل و خدمت به اسلام و ممالک اسلامی مشغول باشند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۹۴) ایشان به‌صورت عملی و با دقت مالی برای ساخت مسکن طلاب برنامه‌ریزی می‌کردند. در نامه‌ای می‌نویسد: "به تدریج و بی‌اسم و بی‌سروصدا مسکنی برای طلاب ساخته شود و حتی منابع مالی آن را مشخص می‌کند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۴) دقت امام در برنامه‌ریزی برای ساخت مسکن به تدریج و بی‌سروصدا، الگویی از مدیریت مالی غیر پرهزینه، مستمر و بدون حاشیه را نشان می‌داد. امام هنگام حمله رژیم به مدرسه فیضیه، در مورد هتک حرمت طلاب فرموده‌اند: "بچه‌های ما را، عزیزهای ما را زدند، سرهایشان را شکستند، پاهایشان را شکستند، بعضی‌شان را کشتند، از پشت بام‌ها انداختند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۱۰)



خسروشاهی، ۱۳۹۵، ج ۵: ۹۶) خطاب عزیزهای ما و توصیف خشونت، نشان می‌دهد طلاب در نگاه امام، عزیز و دارای کرامتی ذاتی هستند که مورد تعرض قرار گرفته است.

امام در اعلامیه‌ها، جایگاه علما و طلاب را به‌عنوان مدافعان قرآن و استقلال کشور برمی‌شمارد و وظیفه آنان را «دفاع از احکام مسلّمه اسلام» و «اظهار تنفر از ستمکاری‌ها» می‌داند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳۳۶: ۱) ایشان از تبعید طلاب ایرانی از نجف توسط دولت عراق به‌شدت انتقاد کرده و همه طلاب را محترم و عزیز می‌شمرد و بر عدم وجود جاسوس در میان آنان تأکید می‌ورزند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۰۴-۱۰۶)

۵. گفتمان کرامت در مبارزه سیاسی و اجتماعی

در گفتمان امام خمینی، رژیم حاکم نماد نظامی بود که به‌صورت ساختاری، کرامت ذاتی، اقتصادی، دینی و اجتماعی مردم را نقض می‌کرد. این گفتمان در سه محور اصلی زیر قابل تحلیل است:

۱-۵. نقد نظام پهلوی با تأکید بر نقض کرامت مردم

در گفتمان انتقادی امام، نظام پهلوی دستگاهی سازمان‌یافته برای پایمال کردن کرامت ذاتی و حقوقی ملت ایران تلقی می‌شد. امام خمینی شقاوت انسان را ناشی از استکبار، عناد و رویگردانی از معارف الهی می‌داند. ایشان معتقد است کسانی که «استکبار ورزیده و عناد و جهود نمودند» و بدون تعمق، حقایق را رد می‌کنند، به تدریج دچار «شقاوت همیشگی عظمی و خسران به تمام معنی» می‌شوند (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۷۹-۴۸۰). از دیدگاه ایشان، کسی که «در قلبش اعتقادات به‌طور کج وارد شود و به واسطه استکبار بر خدا مقصر باشد و پیوسته نظرش این باشد که از روی عناد بر ابطال مطالب حق دلیل درست کند»، دارای «کل الشقاوه» است (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۸۱). این تحلیل، نشان می‌دهد که نقد امام بر رژیم پهلوی، ریشه در انسان‌شناسی عمیقی دارد و رژیم را مصداق بارز «استکبار» و «شقاوت» می‌داند که با تکیه بر غفلت از معارف الهی و ترویج مادی‌گرایی، کرامت انسانی مردم را پایمال کرده است.

انتقادات ایشان همواره حول محور مصادیق عینی نقض کرامت می‌گشت و از سطح کلی‌گویی فراتر رفته، به مصادیق ملموس می‌پرداخت. این‌گونه نقد، رژیم را در مقابل الگوی حکومت علوی و عدالت‌محور و مردم‌دوست قرار می‌داد. امام با اشاره به فقر شدید، گرسنگی و محرومیت، اقدامات رژیم را نادیده گرفتن عمده حقوق اولیه مردم می‌دانستند: «در همدان بیش از دو هزار نفر مرده‌اند امسال؛ در سرمای چهل و سه درجه... شما هیچ فکری برای اینها کرده‌اید؟ هم گرسنگی بخورند هم توسری؟» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۹۵: ۱) ایشان، بی‌تفاوتی حکومت نسبت به زندگی مردم را با عبارتی تند (توسری) به تصویر می‌کشند و آن را نقض آشکار کرامت می‌دانند.



ایشان در انتقاد از جشن‌های پرخرج ۲۵۰۰ ساله در مقابل فقر مردم فرموده‌اند: "این ملت گرسنه... خدا می‌داند که من گاهی وقت‌ها که به فکر می‌افتم که این آینده ما، این زمستان آینده چه خواهد شد، خوب ناراحتم." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۸۶) تقابل نمادین جشن کدایی و گرسنگی مردم، نشان‌دهنده اولویت‌دهی رژیم به تجمل و نمایش بر تأمین معیشت مردم است.

امام قاضی نبودن دادگاه‌های ایران برای اتباع آمریکا را تحقیر ملت می‌دانستند: "ملت ایران را از سگ‌های آمریکا پست‌تر کردند... اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کند؛ اما اگر شاه ایران را زیر بگیرند، هیچ‌کس حق تعرض ندارد." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۱۶) تشبیه امام، درجه تحقیر ملی را به زبانی گویا بیان می‌کند.

پس از کشتار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دیگر وقایع خونین، امام با اشاره به کشته‌شدن زنان و کودکان، بر جنایت علیه بشریت و نقض کرامت انسانی تأکید می‌کنند: "زن‌ها و اطفال صغیر چه گناهی کرده بودند؟ چرا آنها را به مسلسل بستند؟" (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۳۵) امام کشف حجاب اجباری رضاخانی را نه یک تغییر اجتماعی بلکه هتک حرمت زنان و کرامت انسانی می‌دانستند: "خدا می‌داند که به این ملت ایران چه گذشت در این کشف حجاب. حجاب انسانی را پاره کردند اینها. خدا می‌داند که چه مخدراتی را اینها هتک کردند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۹۹) ایشان در اعتراض به حذف شرط اسلام از انتخابات در طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تهدیدی برای هویت دینی، ملی و عملی ضد کرامت مسلمانان دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰۴)

ایشان، موارد نقض حقوق بشر توسط رژیم (فقر، سرکوب، تبعیض) را به نقض کرامت ذاتی انسان تبدیل می‌کردند. این اقدام، انتقاد را از سطح سیاسی، به سطح اخلاقی و انسانی ارتقا می‌داد و پایه مردمی مبارزه را گسترش می‌داد. رژیم برای توجیه سرکوب، شعار امنیت می‌داد. امام نشان می‌دادند که این امنیت، در واقع امنیت رژیم در برابر مردم است و به بهای ازدست‌رفتن امنیت، آبرو و کرامت مردم تمام می‌شود. به این ترتیب، نقد امام به نظام پهلوی، نقد جامع، اخلاق‌محور و مردمی بود که هسته مرکزی آن، دفاع از کرامت ازدست‌رفته ملت ایران در همه ابعاد (اقتصادی، سیاسی، جسمی، دینی و اجتماعی) بود.

۲-۵. دفاع از حقوق محرومان، زنان، زندانیان

در اندیشه اسلامی، انسان دارای حرمت و حقوقی است که باید در تمام فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی پاس داشته شود؛ از این رو، هرگونه الگوی توسعه که منجر به تبعیض، فقر، بی‌عدالتی، استثمار و نقض کرامت انسانی شود، با مبانی اخلاق اقتصادی اسلام ناسازگار است. (صالحی، ۱۴۰۴: ۲۴) عدالت اجتماعی اصل اخلاقی و الهی است که باید در توزیع منابع، تنظیم قراردادها و رفتارهای اجتماعی رعایت شود. (بذرپاش و صالحی، ۱۴۰۵: ۹)

امام در مقابل وضع موجود، الگوی حکومت حضرت علی (ع) را قرار می‌دادند که نگران گرسنه ماندن حتی یک نفر در قلمرو حکومتش بود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵۹) ایشان در سخنرانی‌های خود در نوفل‌لوشاتو با اشاره به ساده‌زیستی حضرت علی (ع) و مسئولیت‌پذیری ایشان در قبال بیت‌المال، حکومت اسلامی را الگویی معرفی می‌کنند که در آن کرامت مردم از طریق عدالت، امانت‌داری و پرهیز از اسراف تضمین می‌شود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۷۸)



ایشان در سخنرانی‌های خود به پیامدهای سیاست‌های اقتصادی رژیم برای زندگی محرومان اشاره می‌کردند و با توصیف وضعیت اسفبار دهقانانی که در پی «اصلاحات ارضی» به حاشیه شهرها رانده شده بودند، فرموده‌اند: «برق دارند، نه آب دارند، نه اسفالت دارند... این مادر بدبخت باید در زمستان سخت از پله‌های زیاد بالا رود تا برای بچه‌اش آب بیاورد.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۳) ایشان فقر گسترده را نتیجه سیاست‌های ناعادلانه رژیم می‌دانستند و بر لزوم حمایت عملی تأکید می‌کردند: «لازم است خود ملت به فکر فقرا باشند... لازم است علمای اعلام بلاد، مردم را دعوت به این امر ضروری بفرمایند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۱۴) ایشان با اشاره به قحطی و فروش کودکان در مناطق محروم، این وضعیت را «عار دارند» می‌خواندند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۶۲)

امام پس از کشتار زنان در تظاهرات (مثلاً در جمعه سیاه)، با اشاره به شهادت ششصد زن آزاده، کشتار آنان را جنایتی علیه بشریت و نشان‌دهنده عظمت نقش زنان در نهضت می‌خواندند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۴۷۲) ایشان در مصاحبه‌ای فرموده‌اند: «اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنان نبوده است، بر عکس اسلام با مفهوم زن به‌عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت او را به وی باز داده است.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۷۰)

امام در پیام‌های خود همواره بر لزوم رفتار انسانی با زندانیان تأکید داشت و شکنجه و آزار آنان را محکوم می‌کرد و در وصیت‌نامه و دستورات مالی، بر حمایت از خانواده‌های زندانیان تأکید داشت و اجازه می‌داد از سهم امام برای کمک به آنان استفاده شود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۹۹) و خطاب به ایرانیان خارج از کشور، آنان را موظف می‌کرد تا واقعیت‌های جامعه را بازگو کنند: «آنچه در زندانهای ایران می‌گذرد، آنچه در ایران که خودش زندان است، می‌گذرد، اینها را... بگویید.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۷۰) به نظر می‌رسد ایشان، کل فضای کشور تحت سلطه رژیم را زندان بزرگ می‌دید که در آن کرامت شهروندان به طور روزمره نقض می‌شد. ایشان با برجسته‌سازی این موضوع، خواهان آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به شرایطی بود که تمام ملت را در وضعیتی ذلیل‌کننده و غیرانسانی نگه داشته بود. این نگاه، دفاع از حقوق زندانیان را به دفاع از کرامت عمومی ملت گره می‌زد.

۵-۳. تأکید بر مبارزه مسالمت‌آمیز و پرهیز از خشونت

در گفتمان مبارزاتی امام خمینی روش و ابزار مبارزه به‌اندازه اهداف آن دارای اهمیت بود. ایشان باوجود قاطعیت انقلابی و رویارویی با رژیم، همواره بر اولویت روش‌های مسالمت‌آمیز، قانونی و مبتنی بر آگاهی‌بخشی تأکید می‌ورزید و از توسل به خشونت کور و اقدامات تروریستی پرهیز می‌داد. این رویکرد، ریشه در دو اصل داشت: نخست، حفظ کرامت ذاتی مبارزان که نباید با اقدامات غیراخلاقی خدشه‌دار شود؛ و دوم، حفظ کرامت جامعه و جلوگیری از خشونت که به فروپاشی اخلاقی می‌انجامد. در خاطرات نقل شده است که امام با مبارزه مسلحانه مخالف بود و هرگز به استفتاهای مربوط به آن پاسخ مثبت نمی‌داد. ایشان بر روشن‌سازی و بیداری ملت تکیه داشت و از فرصت‌های تبلیغی مانند ماه‌های محرم و صفر برای آگاهی‌بخشی به مردم استفاده می‌کرد. (فردوسی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۳)



در نامه به مقامات رژیم (مانند نخست‌وزیر)، غالباً با لحن نصیحت و دعوت به گردن‌نهادن به قانون سخن می‌گفت: "این جانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند و قانون اساسی گردن نهید." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۹۰) در خطاب تند به شاه نیز می‌فرماید: "من به شما نصیحت می‌کنم؛ ای آقای شاه!... دست بردار از این کارها. آقا! اغفال دارند می‌کنند تو را." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۴۵)

امام میان بدنه نظام و افراد اغلب مجبور یا فریب‌خورده در آن، تمایز می‌گذاشت و آنان را به وحدت با مردم دعوت می‌کرد: "آنها نیز مثل شما ملزم و مجبورند؛ و بسیاری از آنها با شما همراه و از دستگاه بیزارند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۳۰)

تأکید بر روش‌های مسالمت‌آمیز و گفت‌وگو، به مردم می‌آموخت که چگونه می‌توان قدرت نرم، وحدت کلمه و استقامت را جایگزین خشونت و پرخاش کرد. مبارزه مسالمت‌آمیز، مشروعیت اخلاقی نهضت را در سطح داخلی و بین‌المللی تقویت می‌کرد. (قاسم، ۱۳۹۲: ۱۳۵۶؛ مهدوی ظفرقندی، ۱۳۹۰: ۱۵۸۶)

تأکید امام بر روش‌های مسالمت‌آمیز تنها در سطح شعار نبود، در عرصه عمل و در مواجهه با مخالفان پرخاشگر نیز تجلی می‌یافت. خاطرات نزدیکان حاکی از آن است که ایشان در برابر فریاد و توهین برخی مراجعان، با آرامش و دعوت به گفت‌وگوی منطقی پاسخ می‌دادند و از هرگونه عکس‌العمل تند پرهیز می‌کردند. (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۶)

یکی از بارزترین مصادیق تأکید امام بر روش‌های مسالمت‌آمیز و آگاهی‌بخشی، راهاندازی «رادیوی روحانیت مبارز» در بغداد بود. آقای داعی که مجری این برنامه‌ها بود، نقل می‌کند که امام پس از اطلاع از محتوای برنامه‌ها، دو تذکر اساسی دادند: "سعی کنید مبالغه نکنید و دروغ هم نگوئید. حقیقت را بگوئید و اضافه هم نگوئید. همان حقیقت تاثیر خودش را دارد. دوم اینکه در برنامه‌ها فحاشی نکنید." (داعی، ۱۳۸۷: ۸۵) این توصیه‌های امام، نشان‌دهنده التزام ایشان به اخلاق در مبارزه و پرهیز از هرگونه خشونت کلامی یا رفتاری است.

۶- گفتمان کرامت در روابط بین‌الملل و نقد استعمار

امام خمینی نگاه به عرصه بین‌الملل و روابط خارجی را نیز در چارچوب گفتمان کرامت‌محور خود تفسیر می‌کرد. این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که امام چگونه باتکیه بر مفهوم کرامت، گفتمان مقاومت در برابر سلطه جهانی را صورت‌بندی کرد.

۶-۱. نفی سلطه خارجی به عنوان تحقیر کرامت ملی

در گفتمان امام خمینی استقلال ملی صرفاً یک مفهوم ژئوپلیتیک یا اقتصادی نبود، بلکه پیش‌شرط اساسی حفظ کرامت جمعی یک ملت محسوب می‌شد. از این منظر، سلطه و نفوذ خارجی اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی یا فرهنگی در درجه اول تجاوز به حرمت و خوداتکایی یک کشور بود که ملت را در موقعیت ذلت، وابستگی و تحقیر قرار می‌داد؛ بنابراین، مبارزه با استعمار و استکبار، عیناً جهاد برای احیای کرامت ازدست‌رفته امت اسلامی بود. ایشان در سخنان خود در نوفل‌لوشاتو خطاب به ملت ایران



تأکید کردند: "ما می‌گوییم آقا، غلام حلقه‌به‌گوش دیگران نباشید؛ ما عزت و شرف شما را می‌خواهیم" (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۴). بیان امام گویای آن است که در گفتمان ایشان، کرامت ملی در گرو رهایی از سلطه خارجی و خوداتکایی است. امام خطاب به ملت، وابستگی رژیم پهلوی را محکوم و بر عزت ملی تأکید می‌کرد: "ما می‌گوییم آقا، غلام حلقه‌به‌گوش دیگران نباشید؛ ما عزت و شرف شما را می‌خواهیم." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۸۷) منظور ایشان از استقلال، عدم تبعیت و دنباله‌روی دستگاه رهبری جامعه از برنامه‌های تعیین شده به‌وسیله بیگانگان است. (جمشیدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۵۲-۴۵۳)

امام با اشاره به قراردادهای اقتصادی رژیم با سرمایه‌داران خارجی، نتیجه آن را تحقیر ملت می‌دانست: "برای ملت ایران جز برابری و کارگری برای سرمایه‌داران و ذلت و فقر و فاقه چیزی نخواهد ماند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۷)

ایشان در سخنرانی‌های خود در پاریس، با تحلیل تاریخی استعمار، تصریح می‌کرد که قدرت‌های خارجی با هدف غارت منابع و تحقیر ملت‌های شرقی وارد شده‌اند و با اشاره به نقش روحانیت به‌عنوان «سد راه استعمار» تأکید داشت: "اگر اسلام به آن طور که هست پیاده شود، فاتحه مستعمرین خوانده می‌شود." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۵) امام در مورد طلاب ایرانی که بدون ویزا وارد عراق می‌شدند و مورد تحقیر مأموران عراقی قرار می‌گرفتند، فرمودند که زیارت امام حسین (ع) شایسته نیست که با این ذلت و خواری توأم باشد (بصیرت‌منش و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۳).

۶-۲. نقد دوگانه اخلاقی غرب در حقوق بشر

امام با هوشیاری سیاسی، به تناقض آشکار بین ادعاهای حقوق بشری کشورهای غربی (به‌ویژه آمریکا) و عملکرد عملی آنان در حمایت از رژیم‌های مستبد اشاره می‌کرد و مستقیماً به رهبران غربی که دم از حقوق بشر می‌زدند خطاب کرده و حمایت آنان از رژیم پهلوی را محکوم می‌کرد. ایشان در نقد آن‌ها می‌فرمود: "این‌هایی که فرض کنید [از] حقوق بشر دم می‌زنند، بیشتر به بشر دارند تعدی می‌کنند. تمام آلات قتاله‌ای که اینها درست کرده‌اند و این جنگ‌ها را پیش می‌آورند در افطار عالم، همین‌ها هستند که قضیه حقوق بشر را، اعلامیه حقوق بشر را امضا کرده‌اند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۹۶) و در جای دیگری فرموده‌اند: "امضاکنندگان اعلامیه حقوق بشر هستند که این بشر را این‌طور در زحمت [انداخته] و این‌طور اختناق از برای بشر پیش آورده‌اند." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۰)

امام به بیانیه‌های دروغین نمایندگان رژیم در مجامع بین‌المللی (مثلاً ادعای بهبود وضع اقتصادی) اشاره کرده و آن را نشانه همدستی دستگاه تبلیغاتی غرب با رژیم برای پوشاندن حقایق و تحقیر شعور مردم می‌دانست: "در کنفرانس اکافه، هیأت نمایندگی ایران اظهار می‌کند که وضع اقتصادی ایران کمال مطلوب است و هیچ عیب و نقصی ندارد." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۷۱) سکوت یا همراهی مجامع بین‌المللی با این دروغ، بخشی از همان دوگانگی اخلاقی بود.

۷. تحلیل مؤلفه‌های گفتمانی

کاربرد زبان در گفتمان امام خمینی افزون بر اینکه ابزار ارتباطی بود، تجلی محتوای گفتمان کرامت‌محور بود. انتخاب دقیق واژگان، ساختار جمله و سبک استناد، همگی در خدمت بازتولید احترام، ایجاد اقناع و برجسته‌سازی مبانی دینی کرامت قرار داشت.

۷-۱. القاب احترام‌آمیز

استفاده از القاب احترام‌آمیز سه کارکرد اصلی داشتند:

الف - تکریم مخاطب: القابی مانند جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶۰) پیش از هر سخنی، جایگاه علمی، دینی یا اجتماعی مخاطب را به رسمیت می‌شناسد و او را در موضعی محترم قرار می‌دهد.

ب- ایجاد فضای گفتمان محترمانه: استفاده از این القاب، الگویی زبانی ارائه می‌داد که در صورت وجود اختلاف‌نظر، فضای گفت‌وگو را از توهین و تخریب به سمت مباحثه و نقد محترمانه سوق می‌داد.

ج- تفکیک شخص از ایده: با احترام‌گذاشتن به شخص، زمینه برای نقد آراء وی بدون توسل به شخصیت‌زدایی فراهم می‌شد.

۷-۲. جملات امری و خواهشی

امام با بهره‌گیری از جملات امری و خواهشی، هم‌زمان قاطعیت در مواضع اصولی و احترام به مخاطب را به نمایش می‌گذاشتند:

الف- جملات امری: بیشتر در مواضع اصولی، شرعی یا هنگام خطاب به حاکمان ستمگر از موضع حقانیت شرعی و اخلاقی به کار می‌رفت. مثلاً در نامه به شاه "دست بردار از این کارها." (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۴۵)

ب- جملات خواهشی (تمنایی، توصیه‌ای): این جملات بسیار پرکاربردتر بودند و در خطاب به مردم، علما، طلاب و حتی گاه مسئولان استفاده می‌شد تا احترام به اراده آزاد مخاطب را نشان می‌داد و پیشنهاد یا تکلیف را در قالب دلسوزی و خیرخواهی ارائه می‌کرد. مانند: «لازم است...»، «شما فعلاً آرامش را حفظ کنید...»، «خوب است آقایان رفع اختلاف را بنمایند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۲)

ج- ترکیب امر و خواهش: گاه این دو در هم می‌آمیزند، مانند: «این جانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که... گردن

نهدید.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۹۰)

۷-۳. استناد به روایات

در جامعه‌ای با اکثریت مسلمان، استناد به قرآن و حدیث، زبان و چارچوب ذهنی مشترکی ایجاد می‌کرد که همه اقشار مذهبی می‌توانستند در آن مشارکت کنند. امام هنگام نقد ظلم یا دعوت به عدالت، به سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) استناد می‌کرد. مثلاً با اشاره به ساده‌زیستی حضرت علی (ع)، اسراف رژیم پهلوی را محکوم می‌کرد. استناد ایشان، الگوی عملی تاریخی ارائه می‌داد و مواضع امام را ادامه منطقی سنت اسلامی نشان می‌داد.



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با به‌کارگیری چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نشان داد که مفهوم کرامت انسانی به‌مثابه سازه‌ای گفتمانی زنده و سازمان‌دهنده در قلب اندیشه و عمل اجتماعی امام خمینی جای داشت. گفتمان امام، نظام معنایی فعال و مقاومتی بود که در تقابل با گفتمان مسلطِ هتک حرمت رژیم پهلوی و استعمار شکل گرفت و بسط یافت. تحلیل تعاملات امام در سطوح خُرد (خانواده و افراد)، میانه (نخبگان و نهادهای دینی) و کلان (مبارزه سیاسی و روابط بین‌الملل) ظاهر ساخت که کرامت نقش کانون معنابخش را ایفا می‌کرد و به سایر مفاهیم پایه‌ای مانند عدالت، استقلال، وحدت و تقوا، انسجام و جهت می‌بخشید.

کاربست استراتژیک این گفتمان در عرصه‌های مختلف، نشان از درک عملی از قدرت نرم داشت. احترام زبانی، مراقبت از سلامت و عواطف، شفافیت مالی، نقد مصداقی ظلم، دفاع از محرومان و تأکید بر مبارزه مسالمت‌آمیز، همگی ابزارهایی گفتمانی بودند که ضمن افشاگری و مقابله با رژیم، الگوی بدیلی از حیات اجتماعی مبتنی بر حرمت را به طور عینی به نمایش می‌گذاشتند.

در مجموع، موفقیت گفتمان امام در جلب مشارکت گسترده، مرهون توانایی آن در تبدیل مسائل سیاسی به پرسش‌های اخلاقی و انسانی، و ارائه زبانی مشترک و قدسی مبتنی بر منابع دینی بود. از این منظر، سیره اجتماعی امام مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی و الگویی پویا از رهبری دینی را ارائه می‌دهد که در آن احیای کرامت، محور اساسی نقد قدرت، سازمان‌دهی اجتماعی و معنا بخشیدن به کنش جمعی است.



فهرست منابع

قرآن کریم

- اسحاقی، حسین (۱۳۸۶)، گناه گریزی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، فقه تربیتی. قم: موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۱)، اخلاق خانواده. قم: دفتر نشر معارف.
- اصنافی، امیررضا (۱۳۹۷)، تأملی بر کاربرد روش تحلیل گفتمان در پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی، فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه شهید چمران اهواز، ۲۳، ۲۷-۵۲.
- بذریاش، مهرداد، صالحی، وحید (۱۴۰۵)، تبیین جامعه‌شناختی رابطه توسعه پایدار و حقوق بشر در بستر اندیشه اسلامی. فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۵ (۱)، ۱-۲۰.
- بصیرت‌منش، حمید و دیگران (۱۳۸۵)، صحیفه دل: مطالب و خاطرات مکتوب از شاگردان امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- پرواز، محسن و دیگران (۱۳۹۵)، کرامت انسانی و حق شهروندی در اندیشه امام خمینی. سپهر سیاست، ۳ (۸)، ۷-۲۱.
- حسنی‌فر، عبدالرحمن، امیری‌پریان، فاطمه (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمان به مثابه روش. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵ (۱)، ۴۹-۷۶.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، حق و تکلیف. قم: اسراء.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷)، شب ظلمانی شاهنشاهی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۸)، اسلام شناسی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵)، منظومه فکری امام خمینی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسرو شاهی، هادی (۱۳۹۵)، اسناد نهضت اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، تقریرات فلسفه امام خمینی. تقریر سید عبدالغنی اردبیلی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث «جنود عقل و جهل». قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. زاهدی، سعید (۱۳۹۳)، در میدان انقلاب. قم: دفتر نشر معارف.
- دعایی، محمود (۱۳۸۷)، گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رجایی، غلامعلی (۱۳۹۲)، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سالاروند، امیر (۱۳۹۰)، گفتمان مبارزه در اندیشه سیاسی امام خمینی. قم: دفتر نشر معارف.
- ستوده، امیررضا (۱۳۸۰)، پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی. تهران: پینجره.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴)، درس نامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- صالحی، وحید (۱۴۰۴)، اخلاق اقتصادی در اسلام و تحقق توسعه پایدار؛ رویکردی مبتنی بر حقوق و کرامت انسانی. فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۴ (۳)، ۲۱-۴۰.



- شجاعی، امیراحمد (۱۳۹۲)، آیین زندگی (اخلاق کاربردی) ویژه رشته‌های علوم پزشکی. قم: دفتر نشر معارف.
- صدر، محمد باقر (۱۳۹۳)، اسلام، راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما. قم: دار الصدر.
- عبداللهی، امید (۱۳۸۵)، فعالیت علمی و فرهنگی علمای شیعه در عصر پهلوی. قم: دفتر عقل.
- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۴)، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی. مشهد مقدس: بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی ایران (علل، مسائل و نظام سیاسی). قم: معارف.
- قاسم، نعیم (۱۳۹۲)، مبنای و نوآوری در راه و روش امام خمینی. تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا (علیه السلام).
- فراهانی، مجتبی (۱۳۸۷)، سلسله موی دوست: خاطرات دوران تدریس امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- فردوسی‌پور، اسماعیل (۱۳۸۷)، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی‌پور. تدوین حسینی و روح‌بخش، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). قم: دفتر نشر معارف.
- مرتضوی، ضیاء (۱۴۰۰)، دانشنامه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- مظهری، محمد و دیگران (۱۴۰۴)، تحلیلی بر اصل ۱۴ قانون اساسی و تضمین حقوق بشری غیرمسلمانان به استناد فتاوی امام خمینی (ره). فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۴ (۴)، ۱-۱۹.
- مهدوی ظفرقندی، محمد علی (۱۳۹۰)، عناصر رهبری سیاسی امام خمینی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ملکوتی‌نیا، علی (۱۳۹۶)، درآمدی بر اخلاق همسایگی بر پایه آموزه‌های اسلامی. قم: دار الحدیث.
- میراحمدی، منصور، کمالی، محمد (۱۳۹۳)، تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۳ (۱۰)، ۲۷-۵۰.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸)، معراج السعاده. قم: انتشارات هجرت، چاپ ششم.
- نجات رایزن، علی و دیگران (۱۳۹۴)، مبانی کرامت انسان از دیدگاه امام خمینی. فلسفه دین، ۱۲ (۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
- نگارش، حمید (۱۳۸۶)، دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی. قم: زمزم هدایت.
- هدایتی فخر داود، ابوالفضل (۱۳۸۶)، اصول اخلاق اجتماعی اسلام از منظر امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.